

# گره اعتبار بر تار و پود مرمت بازار فرش مشهد

## پایان تابستان ۱۴۰۱؛ وعده‌ای دیگر برای اتمام عملیات نوسازی و احیای بازار تاریخی دوره تیموریان

**بهاره موفقی/** بازار فرش مشهد که یادگار دوران تیموریان است، تار و پودش در حافظه تاریخی شهر بافته شده و در فهرست آثار ملی جای دارد. اما حالا سال هاست که وضعیت مرمت زخم‌های دیرین آن نامعلوم است. بحث مرمت این بازار به ۱۲ سال پیش بازمی‌گردد اما به دلیل تاخیر در تأیید و ابلاغ وارد فاز اجرایی نشده بود. بالاخره با تصویب این طرح در سال ۱۳۹۷، طبق قرار داد مقرر شده بود که تا آخر آذر امسال مرمت این طرح به پایان برسد. وعده‌ای که البته اتمام آن به تابستان سال آینده موکول شده است. در حالی که شهر دار منطقه ثامن مشهد اظهار می‌کند که این طرح پیشرفت خوبی داشته، اما مسئولان سازمان میراث فرهنگی ادعا می‌کنند که تنها ۱۰ درصد از این طرح پیشرفت داشته است. البته ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود چرا که با رسیدن به زمان موعود تنها راسته بازار مرمت خواهد شد و مرمت مغازه‌های این بازار همچنان وضعیتی نامعلوم خواهد داشت. هر چند مسئولان میراث فرهنگی اذعان می‌کنند هزینه مرمت مغازه‌ها به عهده مالکان است اما از آن جا که بازار فرش مشهد جزو بافت هویتی شهر مشهد محسوب می‌شود، انتظار می‌رود که مسئولان این سازمان به عنوان متولی با اختصاص تسهیلاتی مالکان را در راستای این مهم ترغیب و حمایت بیشتری کنند تا مرمت این اثر ملی به طور کامل و همه جانبه انجام شود. شایان ذکر است که تاکنون سازمان میراث فرهنگی از میان ۴۲ مغازه موجود در این بازار تنها به یکی از مالکان بودجه‌ای برای مرمت اختصاص داده است.

● **طرح مرمت بازار فرش مشهد از اردیبهشت امسال وارد فاز اجرایی شد**  
سید فرهاد حجازی، شهر دار منطقه ثامن مشهد

در باره سابقه این طرح می‌گوید: «این پروژه از حدود سال ۱۳۹۲ در دست اقدام قرار گرفت تا این که در نهایت در دوره شورای پنجم شهر مشهد تصمیم گرفته شد که برای احیای این راسته بازار فرش به عنوان باقی مانده بازارهای اطراف حرم مطهر اقدام شود. پس از تهیه این طرح توسط دانشگاه خيام در نهایت اجرای آن به تصویب رسید. پیمانکار این طرح هم اسفند ۱۳۹۹ انتخاب و اردیبهشت ۱۴۰۰ وارد فاز اجرایی شد. این طرح پیشرفت کندی داشت اما با حضور اعضای شورای ششم کار تسریع شد.»

● **اعتبار مرمت بازار فرش مشهد تا ۵ میلیارد تومان افزایش خواهد یافت**  
شهر دار منطقه ثامن مشهد در باره اعتبارات این طرح می‌گوید: «ما فقط مرمت راسته بازار فرش را انجام می‌دهیم چون مرمت مغازه‌ها به عهده ما نیست. در خصوص احیای این بازار قرار دادی را با شرکتی داشته ایم و در حال اجرای آن هستیم.

قرار داد و اعتبار این پروژه حدود هشت میلیارد تومان است و تاکنون ۱٫۵ میلیارد آن هزینه شده است. با توجه به این که این طرح مرمتی است بودجه آن تا ۱۵ میلیارد تومان نیز افزایش خواهد یافت. تامین اعتبار این طرح از محل اوراق مشارکت شهرداری مشهد است و مشکلی برای تامین اعتبار نداریم.» وی در باره پیشرفت فیزیکی این طرح می‌گوید: «با توجه به این که کار مرمت است هنوز در مرحله گذاشتن ستون‌های آجری طاق هاست. همچنین از چند روز اخیر شروع به گذاشتن دار سیم کرده ایم که در فصل بارندگی مشکلاتی برای بازاریان ایجاد نشود.»

رتبه‌های برتر کنکور سراسری ۱۴۰۰ از فراز و نشیب‌های اخذ

رتبه‌های برتر در این مارا تن علمی می‌گویند

## شکست شاخ کنکور در زیرزمین پراز سوسک!



«درد دارد که بدانی خانواده برای موفقیت و علاقه‌ای که داری، مانع تراشی می‌کنند»، «زمان زیادی را صرف درس خواندن می‌کردم که روزانه ۱۱ تا ۱۲ ساعت می‌شد»، «در این مسیر خیلی ناامید شدم»، «با خانواده پر سر و صدایی

همنشین بودم هیچ اتفاقی هم از خودم نداشتم که آن‌جا بروم و درس بخوانم»...

این‌ها بخشی از صحبت‌های افرادی است که با تلاش و با وجود موانعی موفق شدند رتبه برتر در کنکور را کسب کنند و به دانشگاه راه یابند و اکنون در گردهمایی رتبه‌های برتر کنکور سراسری ۱۴۰۰ شرکت کرده و با خبرنگار ایسنا به گفت‌وگو نشسته‌اند که در ادامه بخش‌هایی از آن را می‌خوانید:

● **موفقیت من بدون حمایت خانواده امکان پذیر نبود**  
رتبه ۷ منطقه ۳ کنکور سراسری سال ۹۹ بیان می‌کند: من در رشته آموزش عربی در دانشگاه فرهنگیان فاطمه الزهرا اهواز قبول شدم. برای رسیدن به موفقیت برنامه داشتم و بدون برنامه‌ریزی کاری را انجام نمی‌دادم. زمان زیادی را صرف درس خواندن می‌کردم که روزانه ۱۱ تا ۱۲ ساعت می‌شد.

وی اظهار می‌کند: در این زمان تست می‌زدم و تحلیل سوالات را انجام می‌دادم همچنین در آزمون‌ها به صورت مرتب شرکت می‌کردم و از مرور مطالب فاصله نمی‌گرفتم. شرایط کرونا و تاخیر در برگزاری کنکور باعث شد تا مرور بیشتری داشته باشم. خانواده نقش بسیار مهمی در موفقیت من داشتند. من اتفاقی را خارج از ساختمان داشتم و درسم را در سکوت و آرامش کامل می‌خواندم و اصلاً ارتباط زیادی با داخل خانه نداشتم. خانواده من بسیار رعایت می‌کردند محیط آرامی را فراهم کنند تا درسم را بخوانم و قطعاً اگر حمایت خانواده نبود، دست یافتن به چنین موفقیتی امکان‌پذیر نمی‌شد.

این رتبه برتر کنکور سراسری می‌گوید: علاوه بر رشته‌ای که انتخاب کردم به عربی هم علاقه داشتم و دوست دارم در آموزش و پرورش به صورت تخصصی تدریس کنم و در مدارس دولتی و به صورت آزاد به افراد تدریس کنکور داشته باشم. همچنین تا مقطع دکتری پیش بروم و جزو اعضای هیئت علمی دانشگاه شوم. آمدن

به حرم مطهر حس بسیار خوبی بود و خوشحالم که در این محیط معنوی کنار دیگر همکلاسی‌های خود هستم.

● **برای موفقیت باید مسیر طولانی را طی کرد**

رتبه ۱۵۰ کنکور

سراسری سال ۹۹ از تجربه خود می‌گوید: اوایل که برای کنکور در یکی از کانون‌ها شرکت کرده بودم تر از خوبی به دست نمی‌آوردم و تمام تمرکزم روی درس‌های مدرسه بود و هیچ برنامه‌ریزی درستی نداشتم تا این که تصمیم گرفتم برنامه‌های راهبردی این کانون را داشته باشم. وی تصریح می‌کند: این موضوع باعث شد تا تمرکز خوبی روی عربی داشته باشم و برای دروسی که ضعیف بودم تلاش کردم و در سال آخر مشاوره گرفتم و در نهایت در رشته آموزش عربی در خوزستان قبول شدم. برای درس خواندن اصلاً برنامه درستی نداشتم اما روش تغییر کرد و تمرکزم روی درس‌هایی بود که ضعیف بودم و به مرور زمان پیشرفت کردم.

این رتبه برتر کنکور سراسری اضافه می‌کند: در این مسیر خیلی ناامید شدم زیرا باید مسیر طولانی را طی می‌کردم و راه آسانی نبود چرا که درس خواندن راحت نیست اما تلاش کردم تا به موفقیت برسم. من در محیطی درس می‌خواندم که با خانواده پر سر و صدایی همنشین بودم و هیچ اتفاقی هم از خودم نداشتم که آن‌جا بروم و درس بخوانم. در نتیجه زیرزمین پراز سوسک و مارمولک را برای درس خواندن انتخاب کردم. سرمو گرمای زیرزمین برای من مهم نبود و به کار خودم ادامه دادم زیرا برای رسیدن به موفقیت باید مستمر به کار خود ادامه داد.

وی خاطر نشان می‌کند: فردی بودم که در زمان درس خواندن بیرون نمی‌رفتم و بیشتر درس می‌خواندم و ثمره تلاشم قبولی در رشته آموزش عربی اهواز بود. رشته عربی را بسیار دوست دارم و خوشحالم از این که توانستم به انتخاب خودم دست پیدا کنم. به دانش‌آموزان توصیه می‌کنم برای رشته‌ای که علاقه دارند تلاش و در آن رشته مورد علاقه رشد کنند.

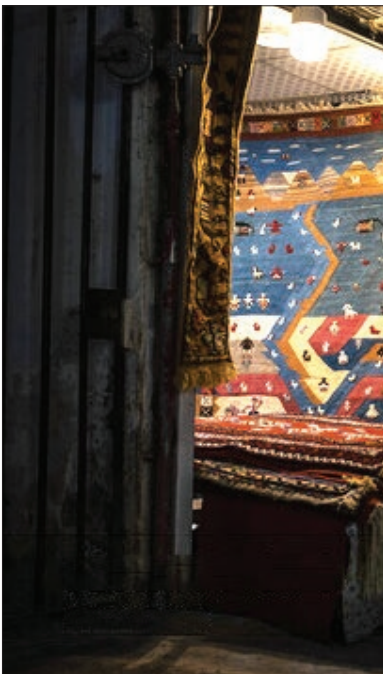
شهادت بیان می‌کند: برنامه‌ای که برای آینده خود در نظر دارم این است که در یک شهر بهتر استاد دانشگاه شوم و در کنار آن، مترجمی عربی را هم انجام دهم و این دو فعالیت گوشه‌ای از برنامه‌های من در آینده است.

داشت، اما مرمت محدوده بازار پیشرفت خوبی داشته است و اتمام این پروژه تا آخر تابستان سال آینده به طول خواهد انجامید.

● **تابستان سال آینده؛ پایان طرح مرمت بازار فرش مشهد**  
شهر دار منطقه ثامن مشهد در باره طولانی شدن زمان این طرح از سال‌های گذشته می‌گوید: «استاد همکاری و همیاری سازمان میراث فرهنگی و مغازه‌داران به عنوان صاحبان حقوق، تصمیم‌شهر و مدیریت شهری برای اجرای این موضوع در کنار هم قرار گرفته بود، موضوعی که هم اکنون محقق شده است.» وی در باره علت عملی نشدن وعده‌هایمبنی بر اتمام این طرح تا اول زمستان امسال خاطر نشان می‌کند: «علت این است که کار مرمت و میراثی زمان بر است. از طرفی پیمانکار ما هم کمی تعلل

داشت، اما مرمت محدوده بازار پیشرفت خوبی داشته است و اتمام این پروژه تا آخر تابستان سال آینده به طول خواهد انجامید.

● **مسئله پیش‌رو؛ مرمت مغازه‌های بازار**  
وی در باره مشکلات پیش‌روی می‌گوید: «مسئله ما در راستای تأیید نقشه‌های تهیه‌شده برای مغازه‌ها از سوی سازمان میراث فرهنگی است. به این دلیل که ما مرمت راسته بازار را انجام می‌دهیم، بنابراین بهتر است روی مغازه‌ها هم کار مرمت انجام شود. در این خصوص اگر سیستم‌های بررسی میراث فرهنگی نسبت به ماجر اقوی‌تر وارد شود تا مغازه‌دارها هم

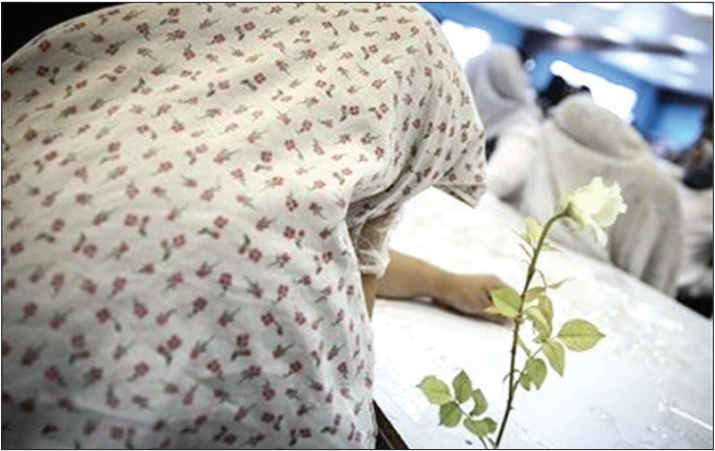


تأییدشان را بگیرند و برای مرمت مغازه‌هایشان همزمان اقدامی انجام دهند، بهتر خواهد بود.»

● **طرح مرمت بازار فرش مشهد تنها ۱۰ درصد پیشرفت داشته است**  
وفا ثابتی، مدیر پایگاه میراث فرهنگی بافت پیرامون حرم مطهر رضوی نیز در این باره می‌گوید: «تاکنون این طرح ۱۰ درصد پیشرفت داشته است. اگر پروژه بخواهد به سر انجام برسد حتما باید مشارکت کسبه و جود داشته باشند یعنی نمی‌شود هزینه‌های مرمت کل بازار را شهر داری و میراث بدهد. همه کسبه با ما هنوز همکاری نکرده

پای صحبت زنان آزاد شده توسط پویش «نذر امام» که به دلیل جرایم مالی در زندان بودند

## ضامن مادران زندانی



مبارک حضرت رضا(ع)» و پاسخ می‌دهد: «به قربان نام امام رضا(ع) بروم که ۲۵ سال است نتوانسته‌ام به پایبوسی‌شان مشرف شوم و حالا این‌طور دعوت شده‌ام». بغضش می‌ترکد و می‌گوید: «یا امام رضا(ع)، خودت ضامن زندگی من و خانواده‌ام باش...».

● **پایان ۱۱ ماه حبس یک مادر، با عنایت امام هشتم(ع)**

یکی از مادران آزاد شده، خانم «ا.ر.» و اهل یزد است. همسرش کارگر است و درآمد قابل توجهی برای گذران امور زندگی و سه‌فرزند کوچکشان نداشته و به همین خاطر، مادر هم برای کمک به معیشت خانواده، یک فروشگاه باز می‌کند اما به خاطر بی‌وفقی کسب و کار در دو سال اخیر، ورشکسته می‌شود. او درباره شرایط خود بیشتر توضیح می‌دهد: «کساد ی بازار، کار من را دچار مشکل کرد و به شدت بدهکار شدم و چون نتوانستم مبلغ بالای بدهی‌هایم را بپردازم، به زندان افتادم. در مجموع ۱۱ ماه زندان را تحمل کردم تا این که بچمدا... به کمک خیران و خادمان حضرت رضا(ع) بدهی‌هایم پرداخت شد و آزاد شدم». کمی سکوت می‌کند و حرفش را این‌طور ادامه می‌دهد: «زبانم از بیان لطف امام رضا(ع) قاصر است؛ فقط می‌توانم خدا را شکر کنم. چون فکرش را نمی‌کردم به این راحتی بدهکاری‌هایم پرداخت شود.»

● **آقارابه بزرگی و کرم‌اش قسم می‌دهم...**

از آرزوی این مادر می‌پرسم و می‌گوید: «از خدامی‌خواهم حالا که کمک کرده‌ام آزاد شوم، کاری پیدا کنم که کمی از مشکلات خانواده‌ام کم شود، آرزوی دیگرم هم این است که به همین زودی‌ها به پایبوسی امام هشتم(ع) مشرف شوم چون ۱۰ سال است که مشهد نیامدیم و حالا که آزادی‌ام را از ایشان گرفتم، امیدوارم آقا باز هم ما را بپلیند.»

آقارابه بزرگی و مهر و کرم‌اش قسم می‌دهد که هر کس اسیر و دربند است، آزاد شود و عنایت حضرت، گره‌گشای همه مشکلات گرفتاران شود.

● **معجزه آزادی برای مادر ۴ فرزند**

خانم «ش.ز» از اهواز، یکی دیگر از مادران آزاد شده از بند محکومیت مالی است. مادر چهار فرزند که به خاطر یک اتفاق ناخوشایند، حدود شش سال در بند بوده است. او هم تا پشت خط تلفن، نام حرم رامی‌شود، بغض، راه کلامش را می‌بندد. با حسی متغلب، ماجرای خود را تعریف می‌کند و می‌گوید: «تحمّل زندان حتی برای مرد‌ها هم دشوار است، چه برسد به خانم‌ها.

وقتی آدم پایش به زندان باز می‌شود، اطرافیان‌ش فراموشش می‌کنند. من هم به جز یکی از دخترانم که با سختی کار می‌کرد تا بتواند پولی برای پرداخت بدهی‌هایم جور کند، کس و کار دیگری نداشتم که به دادم برسد. اگر امام هشتم(ع) دستم را نمی‌گرفت، به این زودی‌ها از آن چهار دیواری آزاد نمی‌شدم.»

● **عنایت حضرت را به چشم دیدم**

از آن روزی می‌پرسم که خبر آزادی‌اش را شنید و تعریف می‌کند: «من آشپز بند زنان بودم. همه من را می‌شناختند، روزی که خبر دادند یک آدم نیکوکار به نیت حضرت رضا(ع) بدهی‌ام را پرداخت کرده، همه خانم‌های بند در کنارم، شادی می‌کردند و حتی بیشتر از خودم خوشحال بودند.»